

عبید زاکانی

خواجه نظام‌الدین عبیدالله زاکانی معروف به عبید زاکانی شاعر و نویسنده^{۱۴} طنزپرداز فارسی‌زبان قرن هشتم هجری است که طبق قرائن موجود در اواخر قرن هفتم یا اوایل قرن هشتم ه. ق. در یکی از توابع قزوین چشم به جهان گشود.

علت شهرت به زاکانی

علت مشهور بودن او به زاکانی نسبت داشتن او به خاندان زاکان است که این خاندان تیره‌ای از «عرب بنی خفاجه» بودند که بعد از مهاجرت به ایران به نزدیکی رزن از توابع قزوین و همدان در تقسیم‌بندی کنونی رفتند و در آن ناحیه باشیدند. وی در قزوین به دانش‌اندوزی پرداخته و در این شهر پرورش یافته و تا پایان عمر را در این شهر ماند. در خاندان او دو شعبه از دیگران مشهورتر بودند، شعبه^{۱۵} یکم که به گفته^{۱۶} حمدالله مستوفی (معاصر و همشهری عبید) اهل دانش‌های معقول و منقول بودند و شعبه^{۱۷} دوم که این مورخ آنها را را/رباب/الصدور (یعنی وزیران و دیوانیان) می‌نامد. حمدالله مستوفی، عبید را نظام‌الدین عبیدالله زاکانی یاد می‌کند و او را از شعبه^{۱۸} دوم می‌داند. با این همه اطلاع دقیقی از مقام صدارت یا وزارت برای عبید در دست نیست و همین قدر می‌دانیم که در دستگاه پادشاهان فردی محترم بوده^{۱۹}.

عبید در نگاه تاریخ

بنا به گفته^{۲۰} تاریخ‌نویسان عبید در طول حیات خود لقب‌هایی را از امراء و حکام زمان خود گرفته‌است؛ و اشعار خوب و رسائل بی‌نظیری دارد^{۲۱}.

عباس اقبال در مقدمه دیوان عبید می‌نویسد:

از شرح حال و وقایع زندگانی عبید زاکانی اطلاع مفصل در دست نیست. اطلاعات ما در این باب منحصر است به معلوماتی که حمدالله مستوفی معاصر و همشهری قزوینی عبید و پس از او دولتشاه سمرقندی در تذکره خود، تألیف شده در قرن ۸۹۲ ه. ق. در ضمن شرحی مخلوط به افسانه در باب او به دست داده و مؤلف ریاض

العلماء در باب بعضی از تألیفات او ذکر کرده‌است. معلومات دیگری نیز از اشعار و مؤلفات عبید به دست می‌آید. از مختصری که مؤلف تاریخ گزیده راجع به عبید نوشته‌است، مطالب زیر استنباط می‌شود:

۱- اینکه او از جمله صدور وزرا بوده، ولی در هیچ منبعی به آن اشاره نشده‌است.

۲- نام شخص شاعر نظام الدین بوده‌است، در صورتی که در ابتدای غالب نسخ کلیات و در مقدمه‌هایی که بر آن نوشته‌اند وی را نجم الدین عبید زاکانی یاد کرده‌اند.

۳- نام شخصی شاعر عبیدالله و عبید تخلص شعری او است. خود او نیز در تخلص یکی از غزلهای خود می‌گوید:

گر کنی با دیگران جور و جفا

با عبیدالله زاکانی مکن

۴- عبید در هنگام تألیف تاریخ گزیده که قریب چهل سال پیش از مرگ اوست به اشعار خوب و رسائل بی نظیر خود شهرت داشته‌است. در تذکره دولت‌شاه سمرقندی چند حکایت راجع به عبید و مشاعرات او با جهان خاتون شاعره و سلمان ساوجی و ذکر تألیفی از او به نام شاه شیخ ابواسحاق در علم معانی و بیان و غیره هست. عبید در تألیفات خود از چندین تن از پادشاهان و معاصران خود مانند علاءالدین محمد، شاه شیخ ابوالحسن اینجو، رکن الدین عبدالملک وزیر سلطان اویس جلایری و شاه شجاع مظفری را یاد کرده‌است. وی از نوابغ بزرگان است. می‌توان او را تا یک اندازه شبیه به نویسنده بزرگ فرانسوی ولتر دانست.

• وفات عبید زاکانی را تقی الدین کاشی در تذکره خود سال ۷۷۲ دانسته و صادق اصفهانی در

کتاب شاهد صادق آن را ذیل وقایع سال ۷۷۱ آورده‌است. امر مسلم این که عبید تا اواخر سال ۷۶۸

ه. ق. هنوز حیات داشته‌است... و به نحو قطع و یقین وفات او بین سنوات ۷۶۸ و ۷۶۹ و یا ۷۷۲ رخ

داده‌است

- از تألیفاتی که از او باقی است معلوم است که بیشتر منظور او انتقاد اوضاع زمان به زبان هزل و طیبت بوده است. مجموع اشعار جدی که از او باقی است و در کلیات به طبع رسیده است از ۳۰۰۰ بیت تجاوز نمی کنند.

طنز عبید

صرف نظر از این که عبید شاعر بوده است، همگان نام او را با طنز و هزل عجین و اغلب عامه او را به لطایفش می شناسند. در این میان منظومه موش و گربه شهرت بسیار داشته و ریش نامه و صد پند از همه لطیف ترند. مانند بسیاری از طنزپردازان متقدم مانند سعدی شیرازی، طنز و هزل به یکسان در لطایف او راه یافته است. دیوان لطایف او شامل بخش های زیر است:

رساله ۱۰ اخلاق الاشراف

ریش نامه

صد پند

ترجیع بند ج...

تضمینات و قطعات

رباعیات

رساله ۱۰ دلگشا

تعریفات ملا دو پیاز

منظومه موش و گربه

منظومه سنگتراش

رساله ۱۰ تعریفات ملا دو پیازه